

نجات از درکوه به یک پهلوان نیاز دارد

پرونده کوه اسطوره‌ای مشهد در اولین جلسه میراث طبیعی کشور در سال جدید بررسی می‌شود



شیما سیدی

آخرین خبری که از اژدر کوه به گوش می‌رسد مثبت است، اما بررسی‌های شهرآرانشان می‌دهد هنوز برای ابراز خوشحالی درباره آینده این کوه اسطوره‌ای، زود است. اخبار مثبت ومنفی در ظرف زمان دائم در هم می‌پیچند و در این موضوع خاص که ما هر روز با حجم زیادی از برداشت مواجه ایم، آینده را نگران کننده می‌کند. اگر دیر بجنبیم، دیگر چیزی از کوه برای ثبت شدن باقی نخواهد ماند.

آخرین خبر را مسئول اداره ثبت میراث فرهنگی خراسان رضوی، درحالی‌که برای پیگیری پرونده ثبت اژدر کوه در فهرست میراث طبیعی کشور به تهران رفته است، بیان می‌کند. محمود طغریایی می‌گوید: پرونده ثبت ملی اژدر کوه در خراسان رضوی تهیه و تأیید شده و اکنون در انتظار بررسی و ثبت در تهران است.

طغریایی ادامه می‌دهد: مسئولان اداره ثبت میراث طبیعی کشور جلسه‌ای در سال ۱۴۰۱ برگزار نکرده‌اند. آن‌ها قول داده اند اولین پرونده‌ای که در اولین جلسه میراث طبیعی کشور در سال جاری بررسی می‌شود، پرونده اژدر کوه باشد. با این حال او در باره زمان برگزاری جلسه میراث طبیعی کشور قولی نمی‌دهد.

● ۶ ماه از جلسه گذشت و هنوز اژدرکوه با انفجار دست به گریبان است اخبار منفی اما از ساکنان پای کوه به گوش می‌رسد. آن‌ها که هر روز صدای انفجارها را می‌شنوند و انبوه سنگ‌هایی را که بار کامیون از میان روستای فارمد به سمت شهر می‌روند، می‌بینند و جز افسوس، کاری از دستشان بر نمی‌آید.

محسن هادیان فر، رئیس شورای اسلامی روستای فارمد، می‌گوید: جلسه‌ای با حضور دوستداران میراث فرهنگی و محیط زیست با نمایندگان سازمان‌های صمت، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی و گردشگری در تاریخ ۳۰ آبان، در دفتر حجت الاسلام پژمانفر، نماینده مردم مشهدو کلات در مجلس شورای اسلامی، برگزار شد. در آن جلسه، حجت الاسلام پژمانفر مهلتی دوماهه برای ثبت نام اژدر کوه در فهرست میراث ملی معین کرد تا بعد با تکیه بر قانون بتوان جلو کار معدن کاران را گرفت. اکنون شش ماه از آن تاریخ می‌گذرد اما هنوز خبری از ثبت ملی نیست و انفجارها هر دو داشت‌ها ادامه دارد.

اوسپس با اشاره به خبری غیر رسمی می‌گوید: چند وقتی است که شایعه‌ای در روستا پیچیده مبنی بر اینکه قرار است یک قسمت دیگر از کوه را به شخص دیگری واگذار کنند. هر چند منبع این خبر معتبر نیست، اگر اتفاق بیفتد، دیگر چیزی از اژدر کوه برای ثبت ملی باقی نخواهد ماند.

● بعد از ثبت اژدرکوه چه می‌شود؟

ثبت اژدر کوه در فهرست میراث طبیعی کشور پایان راه نیست، اگر این اتفاق رخ دهد، تازه تلاش برای نجات اژدر کوه آغاز می‌شود. محمد توکلی، معاون امور معادن اداره صمت، درباره روند قانونی جلوگیری از فعالیت معدن کاران در اژدر کوه می‌گوید: سازمان صمت به صورت قانونی برای معدن کاران مجوز صادر کرده است و در آن زمان، محیط زیست و اداره میراث فرهنگی اعتراضی به صدور این مجوز نداشتند. حال اگر اداره میراث بخواهد اژدر کوه را در فهرست میراث ملی ثبت و آن را حفظ کند، باید درخواست ابطال پرونده برداشت از معدن را بدهد و در دادگاه علیه معدن کاران شکایت کند. بعد از آن، کارشناس دادگستری میزان خسارت ناشی از ابطال پرونده را بررسی می‌کند و اداره میراث فرهنگی باید این خسارت را به معدن کاران بپردازد و پس از آن است که دادگاه به طور رسمی، پروانه بهره‌برداری از معدن آهک اژدر کوه را باطل می‌کند.

آنچه مشخص است، پیمودن این روند به این زودی‌ها میسر نخواهد بود. از سویی، باتوجه به رقم بودجه سالانه میراث فرهنگی و سابقه‌ای که پیش تر در بررسی دعوای بین میراث فرهنگی و سازمان صنعت و معدن شاهد بودیم، به نتیجه‌رساندن این پرونده بسیار سخت است؛ موضوعی که بر نگرانی دوستداران میراث فرهنگی می‌افزاید.

بر اساس شنیده‌ها از معاون معادن سازمان صمت، فقط ۲۰ نفر در این معدن مشغول به کارند و رقم صدور پروانه اولیه برداشت نیز آن چنان زیاد نیست که نتوان از عهده آن برآمد؛ با این حال باید دید در صورت ثبت نام اژدر کوه در فهرست میراث ملی، اراده برای جلوگیری از فعالیت معدن کاران چقدر است. یکی از پیشنهاد‌های حجت الاسلام پژمانفر در جلسه ۳۰ آبان، دادن مکان موض برای بهره‌برداری آهک به معدن کاران بود. اما توکلی در پاسخ به این درخواست می‌گوید: معدن آهک دیگری در نزدیکی مشهد وجود ندارد و سایر معادن آهک مشهد دور و برداشت آن‌ها، نیازمند هزینه گزاف برای حمل و نقل است.

این گفته درحالی مطرح می‌شود که به گفته بسیاری از کارشناسان معدن، ماده معدنی آهک، یکی از فراوان ترین مواد معدنی ایران است و می‌توان در هر صد کیلومتر یک معدن آهک ایجاد کرد. توکلی اما می‌گوید: بله، آهک زیاد است اما در پوشه‌ر، قوچان و کوه‌های هزارمسجد، نه در مشهد. اگر مشهدی‌ها خانه خوب می‌خواهند و امکانات رفاهی، باید معدن هم بخواهند!

البته کل داستان فقط فروختن تاریخ و هویت به بهای آهک و یک خانه نوساخته نیست؛ اگر اهم و مهم کنیم، سنگینی کفه ترازو به نفع توقف کار معدن کاران به روشنی پیداست. میراث فرهنگی، محیط زیست، دامداری و کشاورزی را فدای کمی میراث و جان کوه نوردان را به خطر می‌اندازیم تا حداکثر برای ۲۰ نفر اشتغال زایی کنیم و ماده معدنی آهکی را برداشت کنیم که یکی از فراوان ترین مواد معدنی ایران است. اما از شناسن مشهد، این معدن دقیقاً روی کوهی افتاده که یک میراث ملی است و تنها ظاهرش می‌تواند آورده‌ای صبر برابر بیشتر از آهک برای کشور داشته باشد.

با این حال معاون معادن اداره صمت می‌گوید: کو کوه تاریخی؟ کومستندات؟ باید میراث فرهنگی تأیید کند اما آن‌ها می‌گویند این کوه هیچ چیز تاریخی ندارد! آنجادر نهایت یک افسانه دارد. به خاطریک افسانه، ما نمی‌توانیم جلوبرداشت قانونی یک معدن را بگیریم!

شهر تاریخی

اشنبه
۱۵ دی‌ماهٔ ۱۳۹۷
۱۳ شوال ۱۴۴۴
شماره ۱۴

۱۴

فراساینیات

فقط ۳ میلیارد تومان از بودجه ۱۹میلیاردی احیای برج و باروی تابران از سال ۱۳۹۷ تا کنون محقق شده است

پاسداری دروازه های «توس» از قلمرو تاریخ ایران



را تار و مار کرد و در نزدیکی مرو، محمد خان شیبانی را کشت. کاسه سر شیبک خان، جامی با روکش طلا در دست شاه اسماعیل شد و نام او روی توس باقی نماند.

● حصارِی که بارها ویران شد



حصار یک شهر را که نقطه شروع آبادانی وزندگی بوده است، با وسواس بنا می‌کرده‌اند. دیوار به شکل کله قندی بوده که روی زمین استقرار داشته است. مار خفته توس ۶ متر قاعده دارد که ضخامت آن در نوکش به ۲/۵ متر می‌رسد. حداکثر ارتفاع حصار در بخش‌های باقی مانده ۱۰ متر و مصالح آن چینه گل رس و خشت است؛ دیواری که باید از شهر در برابر دشمنان حفاظت کند و گاهی توسط مهاجمان سوراخ یا تخریب و مدام باید ترمیم می‌شده است.

وجود قطعات سفال در میان چینه‌های دیوار، روایت ساخت حصار از ویرانه‌های خانه‌ها را در ذهن می‌دهد. عمر این بار و بیش از پنج قرن نیست ولی شکل آن شبیه برج و باروهای عصر ساسانی است. باستان‌شناسان احتمال می‌دهند که قسمت‌های زیر حصار مربوط به قرن‌های سوم و چهارم باشد.

● برای مرمت توس باید مشورت شود

از این باستان‌شناسی که عمرش را پای زنده ساختن هویت و تاریخ ایران زمین سر کرده است، درباره مرمت شهر تابران توس می‌پرسیم. او اذعان می‌کند که تا کنون سازمان میراث فرهنگی به سراغ آورفته است تا نظر کارشناسی او ابرای بازسازی این‌سازه مهم تاریخی بپرسد. او ادامه می‌دهد: من گاهی مانند یک شهروند به آنجایی روم و شرایط را می‌بینم ولی مورد مشورت نبوده‌ام.

● ادامه مرمت دروازه‌ها در انتظار تخصیص بودجه

نخستین بار سال ۹۷ بود که سخن کارشناسان و درخواست دلسوزان خاک ایران زمین، به تعیین بودجه برای مرمت برج و باروی توس منجر شد؛ بودجه‌ای که اگرچه نمی‌توانست بازسازی همه این‌سازه معماری کهن را پوشش بدهد. دلخوشی کوچکی بود برای عاشقان این آب و خاک. اکنون که چهار سال از آن زمان گذشته، فرصتی است تا از روند بازسازی این‌سازه باستانی بیشتر بدانیم. احسان زهره وندی درباره این بودجه و محل صرف آن می‌گوید: در سال ۹۷ حدود ۳ میلیارد تومان به برج و باروی توس اعتبار داده شد و مرمت دروازه رودبار آغاز شد و به‌امان اعتبار حدود ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت.

البته طبق آنچه در اخبار همان موقع بر آن تأکید شده است، قرار بوده تخصیص این بودجه ادامه پیدا کند ولی گویا بودجه مرمت توس به همان ۳ میلیارد تومان ابتدایی ختم شده است. سرپرست معاونت میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی درباره اقداماتی که قرار بود با این بودجه محقق شود، ادامه می‌دهد: طبق طرح قرار بود که از هر طرف ۱۵۰ متر با ارتفاع ۹ متر و عرض ۶ متر بازسازی شود. پی‌گردی و مطالعات باستان‌شناسی انجام شد و طرح آن در وزارت میراث فرهنگی کشور به تصویب رسید و همان زمان مرمت آغاز شد. بنا با مصالح سنتی و خشت‌های دست‌ساز بازسازی شد.



آنچه از صحت زهره وندی در یافت می‌شود، توقف مرمت دیوار است که منوط به اختصاص بودجه جدید است. تنها مسئله‌ای که می‌توان به آن دلخوش شد، احتمال اختصاص بودجه پس از سفر هیئت دولت به خراسان رضوی است. سرپرست معاونت میراث فرهنگی بیان می‌کند: در سفری که هیئت دولت و ریاست جمهوری به استان خراسان داشتند، پیشنهادی برای تخصیص اعتبار به منظور ادامه مرمت برج و باروی دروازه رودبار مطرح شد. در صورتی که این بودجه محقق شود، مادر دروازه رودبار و سایر دروازه‌ها، عملیات اجرایی بازسازی را ادامه می‌دهیم.

کنایه از آغوش گشودن است.

دوبازوی گشوده دروازه شبیه آغوشی است که انگار به میهمان خوشامد یا بفرما می‌گوید و او را به درون فرامی‌خواند؛ مفاهیمی که در معماری گذشته ماحلوه مهمی از هنر و معرفت داشته است و اکنون خبری از آن هانیست. در بیرون از دروازه، باستان‌شناسان و کاوشگران تأسیساتی را کشف کرده‌اند که شبیه اتاق و طویله است. این گمان وجود دارد که این‌سازه‌های جمع‌وجور کهن به دلیل این ساخته شده است که مسافرانی که پس از بستن دروازه به پشت آن می‌رسیدند، آواره نباشند. هر رهگذر خسته‌ای که به توس می‌رسید و پشت دروازه می‌ماند، حیوان هایش را درون طویله جامی داد و خودش در اتاق استراحت می‌کرد تا زمانی که در دروازه گشوده شود. وقتی این ظرایف رفتاری و معماری را در نظر می‌گیریم، متوجه می‌شویم که گذشتگان ما نگاهی انسانی و سعه‌صدر در رفتارشان داشته‌اند و حتی برای ساخت یک دروازه شهر به همه ابعاد آن توجه می‌کرده‌اند.

دروازه‌های باروها مستقر بوده‌اند و در دوطرف که از پل کشف رود بگذریم، است که نگهبانان سلامت و امنیت شهر را تأمین می‌کرده‌اند. لباف ادامه می‌دهد: مادر بسیاری از شهرها در همین مشهد حصار و دروازه داشته‌ایم که اکنون وجود خارجی ندارد.

● از دروازه‌ها چه آثاری باقی مانده است؟

اکنون دو دروازه مرو و نیشابور توانسته است از گذر زمان جان سالم به‌در ببرد. از دروازه رزان فقط یک پایه باقی مانده است که نشان می‌دهد ظاهر



آن به شکل دیگر دروازه‌ها نبوده است. دروازه رودبار نیز نتوانسته خودش را از پستوی زمان بیرون بکشد و از بین رفته است و روی شالوده‌ای که از آن باقی مانده، بخشی از این دروازه را بازسازی کرده‌اند.

● اهمیت دروازه‌ها

در هر شهری، دروازه‌هایی که به سمت شهرهای مهم بوده‌اند، بزرگ‌تر و اصیل‌تر بوده‌اند. با این وصف، دروازه رودبار که مسیر اصلی بوده است و دروازه رزان که به سوی جرجان می‌رفته، نیز اهمیت بیشتری از دیگر ورودی‌های شهر داشته است.

استاد باستان‌شناس در این باره می‌گوید: اگر بخواهیم اولویت دروازه‌ها را بر اساس فرضیات در نظر بگیریم، دری که به سوی شهر قدیم نوقان که کلان شهر ولایت توس بوده‌بازی می‌شده، مهم‌ترین دروازه بوده است. پس از آن، دروازه رزان است که در مقابل دروازه رودبار و در مسیر آن است. شاهراهی که از نوقان به سوی جرجان بوده، از میانه توس عبور می‌کرده است و کاروان‌های بزرگ در این مسیر حرکت می‌کرده‌اند. بنا بر این احتمالاً این دو دروازه، مهم‌ترین ورودی‌های شهر بوده است. پس از آن نیشابور و مرو بوده است. دروازه نیشابور که به سوی کهن دژ وارک حکومتی بوده، برای عبور و مرور شخصیت‌های سیاسی و عوامل حکومتی استفاده می‌شده است. این دروازه به همین دلیل کم‌تر دد بوده اما تجهیزات بیشتری داشته است.

● شیبک خان و مرمت توس

شیبک خان از یک یا محمد خان شیبانی در سال ۹۱۵ هجری قمری تصمیم گرفت که توس را آباد کند. توس آن زمان در تصرف ازبک‌ها بود. او بخشی از دروازه مرو را احیا کرد، سپس در ارگ قدیم، فضایی مستطیل شکل ساخت و ساختمان‌هایی در آن ایجاد کرد و اسم توس را «پادگار خانی» گذاشت. او حکایت این مرمت را در دو خطروی سنگی به نام «خان تاشی» به ارتفاع ۱٫۵ متر و عرض یک متر نوشت و آن را در یک کیلومتری روستای «پن‌منه» به جای گذاشت. شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۶ هجری قمری ازبک‌ها

● توس، آنچه هست



آنچه عموم مردم از توس می‌شناسند، یک نام است و یک جاده که به آرامگاه فردوسی ختم می‌شود. اما نمی‌دانیم همین که از پل کشف رود بگذریم، از دروازه قدیمی رودبار که به سوی مشهد گشوده است، به شهر کهن و تاریخی تابران توس قدم گذاشته‌ایم و دور تا دور ما را با رویی محکم فرا گرفته که هزار سال روی زمین زندگی کرده است.

ولایت توس تا پیش از شروع قرن چهارم هجری بیشتر به نام نوقان معروف بود. اما از قرن چهارم هجری که بزرگانی مانند دقیقی توسی و اسدی توسی و فردوسی بزرگ در تابران رشد کردند، به نام این شهر مشهور شد. لباف درباره ساختار شهرهای باستانی که تابران توس یکی از آن‌هاست، می‌گوید: در گذشته، هر شهری دارای ساختاری بود. ارگ، کهن دژ، شارستان، ریض و حصار، دروازه و خندق.

اکنون آنچه از شهر تابران توس باقی مانده، با رویی نیمه‌ویران و ارگ آن است. ارگ محل سکونت حکام و نظامیان و نگهداری خزاین بوده است. شارستان بخش اصلی شهر و بازار و مسجد جامع بوده است که اهالی شهر در آن سکونت داشتند. با روی ۶ کیلومتری شهر شبیه ماری خفته بر گرداگرد شهر چنبره زده و خندقی که دور آن حفر شده بود نیز نقطه انفکاک شهر از دنیای نا امن بیرون بوده است.

● تاریخی پراز غارت و ویرانی

تابران توس که قرن سوم یا دوم هجری شکل است، گرفته در دوره خوارزمشاهی با هجوم مغول‌ها ویران شد. در دوره ایلخانی، جانشین چنگیز تصمیم گرفت گشتار و تخریبی را که بر پیکره شهرها فرود آورده بودند، کنار بگذارد و بخش‌هایی از خسارت را جبران کند. در آن زمان حدود شهر توس بزرگ‌تر و ارگ آن احیا شد. لباف تأیید می‌کند که فضای مستطیلی میان ارگ که دیوار گلی بارج‌های آجری دارد، از آن زمان باقی مانده است.

● دروازه‌های برج‌ای مانده

دروازه‌های شهر تابران توس هنوز هم آغوش به روی عابران و عاشقان تاریخ این مرز و بوم گشوده دارند. به گفته لباف، تابران توس چهار دروازه اصلی داشته که به سمت چهار کلان شهر خراسان یا روستاهای اطراف در آن زمان بوده است. دروازه جنوبی به سوی مشهد یا نوقان باز می‌شده و به دروازه رودبار معروف است. رودبار در واقع رودی را بر پیر بوده است. این دروازه کنار کشف رود قرار داشته است و پلی برای عبور و مرور روی آن ساخته بوده‌اند که بقایای آن هنوز هم هست.



در شرق آن، دروازه‌ای به نام مرو واقع بوده که مسیر توس نشینان به سوی شهر مرو را بازی می‌کرده است. در قسمت شمال، دروازه رزان، راه مردم به سوی روستای رزان را هموار می‌کرده است. هنگامی که حکیم توس به رحمت خدا رفت، وقتی جسد او به دروازه رزان رسید، بنا به روایت نظامی، صله سلطان محمود را از دروازه رودبار آوردند. روستایی در نزدیک این شهر «رزان» نام داشته است که اکنون آن را به نام «رضوان» می‌شناسند و آن را پیشینه تاریخی اش جد می‌کند. رز، به معنای بوته تاک و متناسب با تا کستان‌هایی بوده که در روستای رزان و اطراف شهر توس بوده است.

دروازه غرب شهر نیز به سوی نیشابور بوده است؛ مسیری که دروازه خروجی ارگ و کهن دژ حکومتی برای امیر توس بوده است و بزرگان شهر از آن دروازه تردد می‌کردند

● راز دروازه‌ها و آغوش گشاده‌شان

دروازه‌ها اسرار مگوی بسیاری دارند که از نگاه یک باستان‌شناس خبره پنهان نمی‌ماند. استاد لباف که روزگاری در دروازه مرو کاوش کرده، راز و رمز بنای آن را دریافته است. او می‌گوید: هر کدام از این دروازه‌ها شبیه یک ایوان است و دوباز دارد که انگار میهمان را به درون دعوت می‌کند. این حالت